

علم أصول الفقه

١٦

١٢-٩-٩١ مبادئ مختص تصديقي

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

زبان شارع، زبان عرفی

- دلیل وجود چنین مبنایی در نزد فقها و اصولی‌ها به شرح زیر است:

زبان شارع، زبان عرفی

- ا. شهادت تاریخ: به لحاظ تاریخی، پیامبر در میان امتی عرب زبان به پیامبری مبعوث شد تا دینی را که آخرین هدایت الهی برای بشریت است، به آنها عرضه نماید. پیامبر صلی الله علیه و آله برای ارتباط با مردم اطراف خویش، از همان زبان رایج و با همان شیوهی معمول در بین آنها استفاده کرده است.

زبان شارع، زبان عرفی

- علت عربی بودن متن دینی ما یعنی قرآن نیز، این است که پیامبر صلی الله علیه و آله در عربستان مسئولیت رسالت را بر عهده گرفته است. اگر پیامبر صلی الله علیه و آله در سرزمینی دیگر مثل انگلستان به رسالت برگزیده می شد، به زبان انگلیسی یا لاتین (زبان رایج در آن زمان) سخن می گفت و مفاهیم خویش را به آن زبان القا می کرد. واضح است در آن صورت تغییری در مفاهیم رخ نمی داد بلکه فقط زبان بیان این مفاهیم تغییر می کرد.

زبان شارع، زبان عرفی

- البته نباید از نظر دور داشت که بدون شک انتخاب عربستان برای محل رسالت آخرین فرستاده‌ی خدا و در نتیجه بیان مطالب به زبان عربی، با حکمتی همراه بوده است.

زبان شارع، زبان عرفی

- ساختار زبان عربی، توانایی‌های بیانی این زبان و ویژگی‌هایی که در آن است، مورد قبول تمامی زبان‌شناسان می‌باشد و این مسأله مرتبط به دین هم نیست. هر زبان‌شناسی با نگاه به ویژگی‌های زبان عربی چه به لحاظ مفردات و چه به لحاظ اشتقاقات و استعمالات، به این نکته که زبان عربی از توانایی بالایی در بیان مطالب برخوردار است، اعتراف می‌کند.

زبان شارع، زبان عرفی

- به همین دلیل است که گاه در ترجمه‌ی مطالب قرآن به زبان‌های دیگر دچار مشکل می‌شویم. بعضی اوقات معادلی نمی‌یابیم که کاملاً همان معنای عربی را با تمامی حاشیه‌ها و سایه‌های معنایی و احتمالاتی که دارد، بیان نماید.

زبان شارع، زبان عرفی

- صرف نظر از این حکمت، یقیناً اگر پیامبر صلی الله علیه و آله در جایی مبعوث می شدند که مردم آنجا اصلاً به زبان عربی آشنا نبودند، پیامبر صلی الله علیه و آله به زبان عربی صحبت نمی کرد. معنا ندارد پیامبری برای هدایت مردم به زبانی که آنها نمی فهمند، سخن بگوید. او حتماً باید به زبان همان مردم، مطالب خویش را بیان نماید و نه تنها به زبان مردم بلکه باید به همان شیوهی بیانی آنها صحبت کند.

زبان شارع، زبان عرفی

- چه بسا در یک زبان، شیوه‌های بیانی متعددی وجود دارد و گروه‌هایی خاص از مردم به شیوه‌ای خاص سخن می‌گویند. مثلاً یک ادیب یا شاعر فارسی زبان اگرچه از همان کلمات و الفاظ فارسی استفاده می‌کند، اما شیوه‌ی کاربردش کاملاً متفاوت با شیوه‌ی متعارف عقلایی است. او در بیان مطالب خویش از بیانی تمثیلی و رمزآلود استفاده می‌کند.

زبان شارع، زبان عرفی

- همین طور یک مهندس و دکتر در میان جمع متخصصان شیوهی بیانی خاصی دارند. در حالی که همه‌ی آنها در زندگی عادی خودشان یا در برخورد با مردم دیگر از این شیوه بهره نمی‌گیرند. به طور مثال دکتر با مریض خویش با آن شیوهی خاص سخن نمی‌گوید؛ چه اگر چنین کند مریض اصلاً چیزی از سخنان او نمی‌فهمد. او در جمع تخصصی به شیوهی خاص صحبت می‌کند تا آن دقت مطلب حفظ شود؛ اما با مریض به گونه‌ای دیگر سخن می‌گوید، تا متوجه شود که چگونه به دستورات وی عمل نماید.

زبان شارع، زبان عرفی

- این نمونه و مانند آن نشان می‌دهد که در بین مردمی که به یک زبان با هم صحبت می‌کنند، ممکن است شیوه‌های بیانی متفاوتی وجود داشته باشد که یکی از آن شیوه‌ها، شیوه‌ی بیانی عقلایی و عرفی است. حال اگر زبانی در بستر خود، شیوه‌های بیانی مختلفی داشته باشد، پیامبر مأمور به هدایت، با شیوه‌ی معمول و رایج در بین مردم سخن می‌گوید.

زبان شارع، زبان عرفی

- در واقع بحث ما در اینجا فارغ از نوع زبانی است که در بین مردم رایج بوده است. سخن ما در مورد زبان مشخص مثل عربی یا انگلیسی یا ترکی و یا... نیست. نحوه‌ی کاربرد زبان در بین عقلا مدّ نظر ما است.

زبان شارع، زبان عرفی

- به لحاظ تاریخی مردمی که بیش از چهارده قرن پیش در عربستان می‌زیستند، برای ارتباط و نقل و انتقال مفاهیم از شیوه‌ای خاص استفاده می‌کردند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز که مأمور هدایت آنان است، صرف نظر از زبان تکلم آنها، به همان شیوه‌ی بیانی آنها سخن می‌گوید. شیوه‌ی بیانی او همان شیوه‌ی بیانی عقلا است.

زبان شارع، زبان عرفی

- به همین دلیل، بسیاری از تحلیل‌هایی که در مباحث الفاظ علم اصول داریم، فارغ از نوع زبان می‌باشد. وقتی سخن از ظهور امر در وجوب است، به امر موجود در زبان عربی یا زبان فارسی و یا... کاری نداریم. تحلیل ما فراتر از نوع زبان می‌باشد.

زبان شارع، زبان عرفی

- البته در برخی قسمت‌ها مطلب به ساخت زبان وابسته می‌شود؛ ولی نوعاً به نوع زبان وابستگی ندارد. این مطلب به عنوان یک اصل در مباحث الفاظ علم اصول و در کل تحلیل‌هایی که در فقه نسبت به کتاب و سنت داریم، پذیرفته شده است. زبان شارع همان زبان عرفی و عقلایی است. اگر بتوانیم بفهمیم که یک لفظ ظاهر در چه معنایی است، می‌توانیم مقصود شارع را از بیان آن لفظ دریابیم.

زبان شارع، زبان عرفی

- با مراجعه به شیوه‌ی بیانی و سبک کاربرد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و معصومان علیهم السلام، در می‌یابیم که آنها به همان روشی که در بین مردم مألوف بوده، سخن می‌گفتند. هرگز مردم از فهم بیان آنها دچار مشکل نمی‌شدند و اظهار نارضایتی نمی‌کردند، بلکه به عکس آنها کلام آن بزرگواران را لااقل در حد فهم عرفی و عادی خودشان می‌فهمیدند.

زبان شارع، زبان عرفی

- بله چه بسا بودند افرادی که مطالب ائمه علیهم السلام یا مطالب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به آن دقتی که نسل‌های بعد فهمیدند، درک نکرده بودند؛ اما این گونه نبوده است که هیچ چیز از کلام معصوم علیه السلام نفهمند و گمان کنند او به زبان و شیوه‌ای دیگر سخن می‌گوید.

زبان شارع، زبان عرفی

- ائمه عليهم السلام نیز هیچ گاه خطاب به مردم نفرمودند: «مطالبی که ما می‌گوییم، شما نمی‌فهمید؛ فقط آن را ثبت کنید تا به دست مردمی که سخنان ما را می‌فهمند، برسد»؛ چه اگر چنین چیزی بود، از دین چیزی باقی نمی‌ماند. ارتباط مردم با شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی اطهار عليهم السلام بسیار راحت بود؛ چیزی که شاید امروزه بین مردم و علما وجود نداشته باشد یا به آن راحتی صورت نگیرد. شاید ما نتوانیم به زبانی که مردم بفهمند سخن بگوییم؛ اما ائمه عليهم السلام در این مسأله مشکلی نداشتند.

زبان شارع، زبان عرفی

- البته نباید از نظر دور داشت که مضمون برخی روایات برای فهم عادی بسیار مشکل بوده و هست. مثلاً وقتی ائمه علیهم السلام می فرمودند: «نحن مشیة الله»، هر چند ظاهر لفظ در نزد مردم معلوم بود، اما حقیقت آن را نمی فهمیدند؛ حقیقتی که هنوز نیز برای اغلب پوشیده است. این که انسانی اراده و مشیت خداوند باشد، حقیقتاً به چه معنا است؟ هر کسی به عمق این مطلب پی نمی برد.

زبان شارع، زبان عرفی

- اما تمامی احادیث و روایات ما از این دست نیست. بسیاری از اوقات مردم مسایل ساده‌ی خویش را می‌پرسیدند و جوابی در سطح خود می‌شنیدند. مثلاً سؤال می‌کردند لباس ما با فلان چیز برخورد نموده است، حکم آن چیست؟ حضرت حکم نجس شدن لباس و چگونگی تطهیر آن را برای مردم بازگو می‌کردند. بدین ترتیب مردم در دریافت احکام خود از ائمه علیهم السلام با هیچ مشکلی مواجه نبودند.

زبان شارع، زبان عرفی

- ب. دلیل عقلی: حکمت ارسال رسل و انزال کتب، هدایت مردم است. این حکمت هنگامی تأمین می‌شود که دین بتواند گسترده‌ترین مخاطبان را داشته باشد.

زبان شارع، زبان عرفی

- عاملی که امکان ارتباط با مخاطبان را به دین می‌دهد و امکان تفهیم و تفهم را بین دین و مخاطبانش فراهم می‌سازد، زبانی است که دین برای مفاهیم خویش به کار می‌گیرد. از آنجا که زبان عرفی و عقلایی یعنی زبان رایج بین مردم، وسیع‌ترین مخاطب را دارد، دین از همان روش برای دستیابی به هدف خویش، استفاده می‌کند. یعنی افزون بر نوع زبانی که در بین مردم معمول است، شارع از بین شیوه‌های مختلف آن زبان، شیوه‌ی معمول و رایج بین آنها را انتخاب می‌نماید.

زبان شارع، زبان عرفی

- این مطلب از برخی آیات قرآن نیز قابل استفاده است. مثلاً در آیه ۴ سوره ابراهیم: **وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلَّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِيَ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ**، خداوند می فرماید: و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم، تا (حقایق را) برای آنان بیان کند. پس خدا هر که را بخواهد بی راه می گذارد و هر که را بخواهد هدایت می کند، و او است ارجمند حکیم.

زبان شارع، زبان عرفی

- زبانی که در این آیه مطرح شده است، دو بعد دارد که معمولاً فقط یک بعد آن مورد توجه قرار گرفته است.